

## بررسی تطبیقی نگرش زنان متعلق به نسل‌های مختلف در زمینه سن ازدواج و ترکیب خانواده

علی قاسمی اردهایی\*

رضانوبخت\*\*

حمیده ثوابی\*\*\*



### چکیده

خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد جامعه، امری فرهنگی است که شکل‌گیری آن از طریق کنش‌های اجتماعی گذشته و حال اعضای خانواده صورت می‌گیرد. تجربیات و شرایط اجتماعی - محیطی دوران کودکی می‌تواند قسمتی از نیت‌ها و اولویت‌های سن ازدواج، تعداد فرزندان، زمان‌بندی بین تولد فرزندان و سایر مؤلفه‌های ترکیب خانواده به‌ویژه برای زنان را تحت تأثیر قرار دهد. با این هدف، در این مقاله سعی شده است نگرش مادرانی با نسل‌های متفاوت، در زمینه مؤلفه‌های مهم در ترکیب خانواده مورد بررسی قرار گیرد. با به‌کارگیری روش پیمایش، داده‌های

\* دکتری جمعیت‌شناسی و استادیار دانشگاه پیام نور.

\*\* دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی و هیات علمی دانشگاه پیام نور؛ r.noubakht@ut.ac.ir

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی.

لازم از ۷۱۰ زن همسر دار ۱۵ الی ۵۰ ساله ساکن در شهرهای تبریز و اهر که دوران کودکی خود را در چهار مقطع تاریخی؛ تا سال ۱۳۵۰، ۱۳۵۰ الی ۱۳۵۷، ۱۳۵۸ الی ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ الی ۱۳۷۳ گذرانده‌اند، به‌دست آمده است. تفاوت در ویژگی‌های تحصیلی و شغلی در بین نسل‌های مختلف چهارگانه نشان از تفاوت فضای اجتماعی دوران کودکی آنهاست. این امر موجب شده است پاسخگویان متعلق به نسل-های مختلف، برداشت‌های متفاوتی از زمان شکل‌گیری خانواده، ارزش فرزندان، تعداد فرزندان و ترجیح جنسی فرزندان داشته باشند. در زمینه شاخص‌های ارزش فرزندان، نگرش نسل‌های قبل از سال ۱۳۵۰ با بعد از ۱۳۶۵ و نسل‌های انقلاب با جنگ نزدیک‌تر است. درصد موافقت با سقط جنین به‌عنوان یکی از راه‌های جلوگیری از بارداری و نیز تک‌فرزندی در نسل‌های جدید بیشتر از نسل گذشته است. برعکس، درصد موافقت با ترجیح جنسی فرزندان و نیز فرزند دلخواه سه و بیشتر در نسل‌های جدید کمتر از قدیمی‌هاست. در برخی از رفتارهای جمعیتی دیگر، یک هم‌گرایی در بین چهار نسل مورد مطالعه ملاحظه می‌شود. این نگرش‌های جمعیتی زنان در ارتباط با ترکیب خانواده، می‌تواند در شکل‌دهی رفتار جمعیتی فرزندان(ان) وی مؤثر باشد که این موضوع در تحولات خانواده ایرانی یک امر و مسئله مهمی خواهد بود.

### واژگان کلیدی

نسل، نگرش به سن ازدواج، نگرش به ترکیب خانواده، ارزش فرزندان، زنان ازدواج کرده ۱۵ الی ۵۰ ساله.

### ۱. مقدمه و طرح مساله

به واسطه توسعه جوامع و پیشرفت‌های فناوری و ارتباطی، جوامع در حال گذار امروزی از جمله ایران تغییر و تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی بی‌نظیری را تجربه نموده و خواهد نمود. این امر موجب می‌شود رفتار و نگرش‌های جمعیتی افراد نیز در معرض تغییر و تحول قرار گیرد. یکی از راه‌های پی بردن به این تغییر نگرش‌های جمعیتی، مطالعه نگرش افراد متعلق به نسل‌های (دوران تولد) مختلف در زمینه سن



ازدواج و ترکیب خانواده است. رفتار افراد در طول دهه‌های گذشته نسبت به سن ازدواج و ترکیب خانواده متفاوت بوده و یکی از دلایل این امر می‌تواند تفاوت دوران کودکی آنها باشد. یادگیری ارزش‌های اجتماعی و هنجارها در این رابطه مؤثر است.

ازدواج مبنای شکل‌گیری خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین واحد اجتماعی است. بنابراین ازدواج و خانواده دو مفهوم بسیار نزدیک به یکدیگر بوده و خانواده واحد اجتماعی است که براساس ازدواج پدید می‌آید. چون واقعه ازدواج امری اجتماعی بوده و متضمن وجود نظامات اجتماعی برای کنترل و نظارت بر آن است، لذا در تحلیل این تعریف می‌توان رعایت ارزش‌ها و قراردادهای اجتماعی را ملحوظ داشت (فرید، ۱۳۸۳). خانواده نهادی است که دارای کارکرد تولید نسل، پرورش فرزندان، انتقال فرهنگ و ایجاد نظم در روابط بین افراد است. افزایش سن ازدواج و تغییرات حاصل در ترکیب خانواده‌های ایرانی طی سالهای اخیر، انجام مطالعات متعدد در زمینه تحولات زمان شکل‌گیری و ترکیب خانواده و عوامل مرتبط با آن را موجب شده است. مطالعات نشان می‌دهد افزایش سن ازدواج و تغییرات حاصل در ترکیب خانواده با ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی و جمعیتی (هزارجریبی و آستین فشان، ۱۳۸۸؛ محمودیان، ۱۳۸۳؛ ضرابی و مصطفوی، ۱۳۹۰) ارتباط دارد. آنچه نگاه مؤلفین مقاله را در مورد خانواده ایرانی طی سالهای اخیر به خود جلب کرده است، تغییرات مشاهده شده در زمینه ترکیب خانواده است که بیشتر ناشی از تغییر نگرش افراد نسبت به سن ورود به زناشویی است.

در زمینه ازدواج، امروزه شاهد تغییر و تحولات مهم در نگرش‌ها و آداب و رسوم مرتبط با آن هستیم. در وضعیت فعلی، شکاف و فاصله‌ای عمیق بین سن بلوغ و سن ازدواج ایجاد شده است (هزارجریبی و همکاران، ۱۳۸۸). در جوامع امروزی نگرش افراد نسبت به اهمیت ازدواج و تشکیل و ترکیب خانواده برخلاف جوامع گذشته است و برخلاف جوامع سنتی، زنان به ازدواج به‌عنوان وسیله‌ای برای بدست آوردن پایگاه اجتماعی نگاه نمی‌کنند. همانطور که ساختار اقتصادی-اجتماعی جوامع در طی زمان تغییر و تحول می‌یابد، مسائل مربوط به سن ازدواج و ترکیب خانواده نیز در طول دهه‌ها با نگرش‌های متفاوتی همراه است. هرچند در سطح کلان بستگی به تغییر ساختار اقتصادی-اجتماعی جامعه دارد، اما در سطح خرد بی‌ارتباط با تجربیات فردی و شرایط اجتماعی-محیطی خانواده که فرد دوران کودکی و جوانی خود را در آن سپری می‌کند،

نیست. نگرش افراد در سنین مختلف با توجه به شرایط اجتماعی- محیطی دوران کودکی، مؤلفه‌های پویایی و ترکیب خانواده را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد. با تغییر و تحولاتی که در جوامع پیش می‌آید، شاهد نگرش عقلانی و سودجویانه در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی هستیم. بر این اساس، نوسازی جامعه فرایندی است که بر اساس آن از هنجارها و آداب و رسوم جامعه گذشته فاصله گرفته می‌شود و باورها و نگرش‌های جدید تدریجاً جای آن را پر می‌کند. در جوامع سنتی تولید اقتصادی و زندگی خانوادگی در ارتباط با یکدیگر معنا پیدا می‌کردند، در حالی که در جوامع امروزی شکاف عمده‌ای بین این دو بخش وجود دارد.

بر اساس آمارهای رسمی کشور، طی دهه‌های اخیر میانگین سن ازدواج زنان از ۱۹/۷ سال در سرشماری ۱۳۵۵ به ۲۳/۴ سال در سرشماری ۱۳۹۰ رسیده است. یکی از مسائل اساسی در بحث جمعیت، مسئله زمان (سن) ازدواج و شکل‌گیری و ترکیب خانواده است. مطالعات نشان می‌دهد دگرگونی‌های اجتماعی- اقتصادی و جمعیتی جامعه در جهت تلاش ارتقای موقعیت زنان، افزایش تحصیلات و تغییر سهم افراد و تحول در میزان دستیابی به همسر مناسب و تغییرات در هنجارها و ارزش‌های مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده (محمودیان، ۱۳۸۳) و نیز میزان شهرنشینی، میزان اشتغال و اشتغال در بخش صنعت (توده فلاح و کاظمی‌پور، ۱۳۸۵) از عوامل تشدید کننده افزایش سن ازدواج هستند. سن ازدواج یکی از نشانه‌های مهم درباره وضعیت زنان است. ویژگی‌های خانوادگی افراد نظیر میزان تحصیلات والدین، نحوه گذاران اوقات فراغت، وجود جایگزین‌هایی برای زندگی ازدواجی و محل سکونت و شهرنشینی به عنوان شاخص‌های نوسازی عمدتاً با ازدواج در سنین بالاتر هماهنگ هستند (میترا، ۲۰۰۴).

از پیامدهای منفی بالا رفتن سن ازدواج در حوزه فردی می‌توان به بروز و ظهور افسردگی و آسیب‌های اجتماعی و افزایش فاصله سنی والدین و فرزندان و ایجاد اختلاف در سلیقه و دیدگاه‌های دو نسل درون خانواده اشاره کرد. امروزه نگرش در زمینه ترکیب خانواده علاوه بر ساختار جامعه و فعالیت‌های اقتصادی- اجتماعی، با شرایط اجتماعی- محیطی افراد از جمله تحصیل، شغل و درآمد رابطه دارد و ارتباط سیستماتیک با سن ازدواج و باروری افراد دارند. بنابراین، تحلیل و تبیین نگرش به شکل‌گیری و ترکیب خانواده و نیز سیاست‌های جمعیتی بهتر است با شناسایی این تفاوت‌ها انجام گیرد تا



بتوان روند احتمالی ترکیب خانواده در آینده و آینده جمعیتی جامعه را جهت برنامه-ریزی و سیاست‌گذاری ترسیم نمود.

## ۲. سؤالات تحقیق

- زنان با نسل‌های مختلف آیا سنین متفاوتی را برای ازدواج و اولین بارداری دختران در نظر دارند؟
- اعتقاد به کمیت، ترجیح جنسی و ارزش فرزند در نسل‌های مختلف زنان به چه شکل است؟
- آیا تفاوت‌ها و تشابه‌های نسلی زنان در نگرش به سن ازدواج و مؤلفه‌های ترکیب خانواده (کمیت، ترجیح جنسی و ارزش فرزند) به یک اندازه است؟

## ۳. مبانی نظری و تجربی

دورکیم با مبنا قرار دادن تغییرات اجتماعی ملاحظه می‌کند تخصصی شدن و تمایزات فردی موجب ایجاد وضعیتی می‌شود که در حالت نابسامانی نیازهای افراد تشدید می‌شود. جوامع قدیم که مبتنی بر همانندی بوده، در جامعه جدید جای خود را به تمایزپذیری اجتماعی داده است. در جامعه جدید افراد هر قشر دارای ارزش‌ها، هنجارها، الگوهای رفتار و رسوم اجتماعی خاص خود می‌باشند (مرادی و صفاریان، ۱۳۹۱: ۸۷). با صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی، هم ساختار روابط خانوادگی و هم کارکردهای خانواده دگرگون و جابه‌جا می‌شود. «به عقیده پارسونز یادگیری اجتماعی کودک و جوان یعنی فراگیری و جذب فرهنگی است که کودک در آن به دنیا می‌آید» (میشل، ۱۳۵۴: ۸۱).

ریدی و کالدول نشان داده‌اند در جنوب هند اگرچه تغییرات زیادی رخ داده است، اما هنوز الگوهای ازدواج به شکل قبلی مانده است و ازدواج فرزند زیر نظر والدین به‌ویژه پدر است. ولی در آسیای شرقی و جنوب شرقی این ارزش‌های سنتی تضعیف شده است و این تغییر الگوی ازدواج بیشتر مربوط به توسعه تحصیلات، افزایش شهرنشینی، مشارکت زنان در امور اجتماعی و اقتصادی است (جونز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). ویلیام گود به تأثیر

فرایند نوسازی بر خانواده و الگوهای ازدواج اشاره دارد. به عقیده وی افزایش تحصیلات، فعالیت‌های شغلی و ورود زنان به بازار کار و استقلال مادی آنها و نیز شهرنشینی باعث تغییراتی در زمان ازدواج می‌شود. به طوری که این فرایند در سطوح مختلف فردی و اجتماعی، ازدواج و الگوهای آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد (گود<sup>۱</sup>، ۱۹۶۴). تحقیقات انجام شده در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۰ نشان می‌دهد زنانی که در آمریکا تحصیلات عالی و وضعیت اقتصادی بهتری دارند، سن ازدواج‌شان به تأخیر افتاده و اولین ازدواج این گروه تداوم بیشتری هم دارد (کوپن<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۲). نتایج تحقیقی در آفریقای جنوبی نشان می‌دهد رشد اقتصادی جامعه و درآمد بالا، زمان ازدواج را به تأخیر می‌اندازد. با این وجود، هریک از این عامل‌ها به عنوان کاتالیزوری برای تحولات گسترده در نظام ازدواج شده است و این تغییرات موجب کاهش باروری است (گارن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). دیکسون بحث را به سطح جامعه و ساختارهای اجتماعی می‌کشد و بر روی اهمیت سه متغیر مابین ساختار اجتماعی و الگوی ازدواج تأکید می‌کند: قابلیت دسترسی به شریک آینده زندگی که بر حسب نسبت‌های سنی - جنسی افراد در سن ازدواج اندازه‌گیری می‌شود، امکان‌پذیر بودن ازدواج بر حسب شرایط اجتماعی و اقتصادی، مطلوبیت ازدواج بر حسب فشارهای اجتماعی و انگیزه‌های فردی (کنعانی، ۱۳۸۵: ۱۰۸).

بنا به نظریه هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، ایده‌ها و نگرش‌های فرهنگی می‌توانند به طور مستقل زمان ازدواج را تحت تأثیر قرار دهند. وقوع انقلاب اسلامی ایران و تقویت اعتقادات مذهبی در تشویق به ازدواج، از عوامل مؤثر بر افزایش میزان ازدواج بعد از سال ۱۳۵۷ به شمار می‌آید (جنادله و همکاران، ۱۳۸۸). گفتنی است امروزه با تغییر در ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه و نیز تغییر در کارکرد خانواده‌ها، در حوزه ازدواج و ترکیب خانواده نیز افراد تغییر در هنجارها و ارزش‌ها را تجربه می‌کنند. فریدمن در تحلیل خود در زمینه تحول سن ازدواج بر سکولاریزاسیون، فردگرایی، اهمیت رو به رشد استقلال و خود مختاری و ایدئولوژی‌های جدید در رابطه با نقش‌های جنسیتی تأکید دارد. وی در عین حال که به تأثیر عوامل ساختاری و اقتصادی واقف است، عقیده دارد نوسازی تغییرات فناوری و توسعه شرایط اجتماعی موجب بروز تغییراتی در

---

1. Good  
2. Copen  
3. Garenne



ارزش‌ها و ترجیحات شده است که در نهایت موجب تغییر در رفتار فرد می‌شود (حبیب‌پور گنتابی و غفاری، ۱۳۹۰).

از نظر بکر<sup>۱</sup> می‌توان ازدواج و ترکیب خانواده را در چارچوب اقتصاد مدرن بررسی کرد. در ازدواج هر زوج میزان بالایی از نفع خود را در نظر می‌گیرد و وضع اقتصاد جهانی و جامعه در این انتخاب سهیم است. سود حاصل از ازدواج برای مرد و زن در مقایسه با سودی است که تک تک افراد خارج از چارچوب ازدواج بدست می‌آورند که ارتباط نزدیکی با درآمد طرفین، سرمایه انسانی و تفاوت جنسی در میزان دستمزد دارد (بکر، ۱۹۷۴). در تبیین نظری مقاله حاضر تحلیل جنسیتی نیز امر مهمی است که برخی تفاوت نقش‌ها، ارزش‌گذاری‌ها، تشویق‌ها، مزایای اجتماعی و غیره به صورتی متفاوت سبب بوجود آمدن تبعیض جنسیتی می‌شود (قاسمی اردهائی، ۱۳۸۶). خانواده‌ها چه آگاهانه یا ناآگاهانه برای دختر و پسر خود حقوق مساوی قائل نیستند و آنها را مانند یکدیگر تربیت نمی‌کنند و به این ترتیب پایه‌های تفاوت جنسی در خانواده گذاشته می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۷).

با تأکید بر بحث‌های نظری و تجربی، می‌توان فرض نمود زنان با نسل‌های مختلف باتوجه به تجربه‌های اجتماعی و اقتصادی متفاوت می‌توانند نگرش‌های متغیری در زمینه سن ازدواج و ترکیب خانواده داشته باشند که همین نگرش در رفتار جمعیتی زوجین می‌تواند مهم تلقی گردد.

#### ۴. روش تحقیق، داده‌ها و مفاهیم

روش تحقیق مورد استفاده در مقاله حاضر تحلیل ثانویه داده‌های حاصل از دو پیمایش جداگانه است. پیمایش اول که جامعه آماری آن را زنان ۱۵ الی ۵۰ ساله ازدواج کرده تشکیل می‌دهند، در سال ۱۳۹۱ در شهر اهر صورت گرفته است. براساس جدول مورگان، حجم نمونه ۳۰۰ نفر برآورد شده و نمونه مورد نظر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای به‌دست آمده است. پس از انتخاب نمونه مورد نظر، اطلاعات لازم از طریق پرسش‌نامه گردآوری شده است. پیمایش دوم به سال ۱۳۹۲ در شهر تبریز اجرا شده است. جامعه آماری آن نیز زنان ۱۵ الی ۵۰ ساله ازدواج کرده شهر تبریز بوده است که بر اساس فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تعداد ۴۱۰ نفر

1. Becker

انتخاب شده‌اند. در روش نمونه‌گیری، مناطق تبریز از نظر سطح اجتماعی - اقتصادی به چندین خوشه تبدیل شده و بعد از انتخاب تصادفی چندین خوشه از این خوشه‌ها، حوزه‌ها به صورت تصادفی از خوشه‌ها انتخاب و در نهایت افراد به صورت تصادفی از حوزه‌ها انتخاب شده‌اند. بنابراین، با تلفیق داده‌های حاصل از دو پیمایش، اطلاعات ۷۱۰ نمونه آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در ذیل مهم‌ترین مفاهیم برآمده از تحقیق پیش‌رو تعریف می‌گردد.

**نسل:** در جمعیت‌شناسی دو برداشت عام و خاص از نسل وجود دارد. در برداشت عام، نسل مجموعه افراد با سنین متفاوت است که واقعه جمعیتی خاص را در یک زمان مشترک تجربه می‌کنند. در برداشت خاص، نسل مجموعه افرادی هم سن است که در طول دوران زندگی خود تجربه‌های مشترکی دارند. در این مقاله، نسل مجموعه زنانی است که دوران کودکی مشترکی را سپری نموده‌اند. باتوجه به دو حادثه اجتماعی مهم انقلاب ۱۳۵۷ و جنگ تحمیلی ۱۳۵۹ در تاریخ ایران و در دوران زندگی اکثر (بالای ۸۰٪) زنان مورد مطالعه و نیز مدت زمان هفت هشت ساله برای مرحله کودکی، زنان مورد بررسی در چهار نسل؛ تا سال ۱۳۵۰، ۱۳۵۰ الی ۱۳۵۷، ۱۳۵۸ الی ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ الی ۱۳۷۳ تقسیم‌بندی شده‌اند.

**ترکیب خانواده:** سنجش نگرش زنان در زمینه زمان اولین فرزندآوری، تعداد فرزند، جنس فرزند و ارزش (عاطفی و اقتصادی) فرزند است.

**ترجیح جنسی فرزند:** تاکید بر داشتن فرزند دختر یا پسر برای زوجی که بخواهند فقط یک فرزند داشته باشند.

**ارزش فرزند:** در زمینه خوب بودن فرزند(ان) برای دورن پیری والدین، آوردن خوشی به زندگی والدین و افزایش درآمد خانواده و بد بودن فرزند(ان) به خاطر ایجاد فشارهای روحی و روانی برای والدین و ناتوان بودن والدین در تربیت مناسب فرزندان، سنجیده شده است.





## ۵. یافته‌ها

یک سوم زنان دوران کودکی خود را در دوران جنگ (۶۵-۱۳۵۸) گذرانده و بعد از آن زنان متولد دوران انقلاب (۵۷-۱۳۵۰) قرار می‌گیرند. زنان متولد طبقات قبل از سال ۱۳۵۰ و نیز بعد از سال ۱۳۶۶ هرکدام کمتر از یک پنجم پاسخ‌گویان را شامل می‌شوند. درصد بیشتری (۳۲٪) از زنان مورد مطالعه در شهر اهر دوران کودکی‌شان متعلق به طبقه قبل از سال ۱۳۵۰ است، درحالی‌که برای شهر تبریز متولدین ۶۵-۱۳۵۸ درصد بیشتری را نسبت به سایر نسل‌ها شامل شده است. با وجود اینکه پاسخ‌گویان در دو شهر تبریز و اهر مورد بررسی قرار گرفته‌اند، ولی ۲۸٪ از آنان تا ۱۵ سالگی‌شان را در روستا گذرانده‌اند که برای زنان متولد قبل از ۱۳۵۰ درصد محل زندگی در روستا تا قبل از ۱۵ سالگی بیشتر از متولدین سایر دوره‌های زمانی است. همین داده‌های مرتبط با محل سکونت تا قبل از ۱۵ سالگی نشان می‌دهد زنان متعلق به دوران دورتر نسبت به دوران نزدیک بیشتر در معرض مهاجرت‌های روستا به شهر قرار گرفته‌اند.

۳۰٪ پاسخ‌گویان دارای تحصیلات دانشگاهی بوده و ۲۹٪ نیز تحصیلات متوسطه و دیپلم دارند. تحصیلات ابتدایی با ۱۹٪ و راهنمایی با ۱۰٪ در مرتبه بعدی قرار گرفته و ۱۱٪ زنان نیز بی‌سواد هستند. نکته قابل توجه اینکه بیشترین درصد بی‌سوادی و نیز تحصیلات ابتدایی و دانشگاهی برای زنان متولد قبل از ۱۳۵۰ به دست آمده است. درحالی‌که در تحصیلات راهنمایی و متوسطه و دیپلم، متولدین بعد از سال ۱۳۶۵ درصد قابل توجهی را شامل شده‌اند. توزیع نسبی تحصیلات همسر پاسخ‌گویان به تفکیک دوران کودکی زنان تقریباً شبیه الگوی به دست آمده برای خود زنان است. از زنان مورد بررسی ۲۷٪ در نقش‌های معلمی، کارمندی، پزشکی و پرستاری، آرایشگری و فرش‌بافی مشغول به کارند و بقیه را خانه‌دارها شامل می‌شود. باتوجه به نقش طول دوران زندگی در احتمال دستیابی به کار، ملاحظه می‌شود درصد اشتغال در زنان متولد قبل از سال ۱۳۵۷ به نسبت بیشتر از متولدین بعد از آن بوده است.

## جدول ۱. ویژگی‌های جمعیتی زنان به تفکیک نسل‌ها

نسل‌ها				متغیرها	
۱۳۶۶-۱۳۷۳	۱۳۵۸-۱۳۶۵	۱۳۵۰-۱۳۵۷	تا ۱۳۵۰	شهر	تبریز اهر
۷۴	۱۶۰	۱۳۵	۴۱	درصد زندگی در شهر تا ۱۵ سالگی	
۵۳	۷۸	۷۴	۹۵	درصد	
۷۹	۷۱	۷۲	۶۸	تحصیلات	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	بی‌سواد (۸۰)	
۶	۳	۱۲	۲۱	ابتدایی (۱۳۷)	
۲۳	۸	۲۳	۲۴	راهنمایی (۷۳)	
۱۵	۱۸	۷	۴	متوسطه و دیپلم (۲۰۴)	
۴۷	۳۷	۲۴	۱۵	دانشگاهی (۲۱۵)	
۱۰	۳۴	۳۴	۳۶	درصد	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	تحصیلات همسر	
۰	۴	۵	۱۰	بی‌سواد (۳۸)	
۱۱	۱۱	۱۴	۱۸	ابتدایی (۹۹)	
۲۸	۲۴	۸	۱۱	راهنمایی (۱۱۸)	
۴۵	۳۶	۴۱	۲۲	متوسطه و دیپلم (۲۴۶)	
۱۶	۲۵	۳۲	۳۹	دانشگاهی (۲۰۸)	
۸	۱۴	۳۵	۴۳	شاغل (۱۸۹)	

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول ۲ رابطه متغیر نسل با نگرش به زمان شکل‌گیری (سن ازدواج) و ترکیب (تعداد، جنس و ارزش فرزند) خانواده مورد بررسی قرار گرفته است. میانگین سن ازدواج زنان پاسخگو ۲۰/۵ سال است که متولدین دوره ۵۷-۱۳۵۰ بیشترین (۲۱/۸) و متولدین ۱۳۶۶ به بعد کمترین (۱۸/۳) آن را دارند. زنان بهترین سن برای ازدواج دختران را بطور متوسط یک سال بیشتر از میانگین سن ازدواج خودشان ارزیابی نموده‌اند. بالای ۶۰٪ زنان سن مناسب برای ازدواج دختر را سنین بین ۲۰ الی ۲۴ سال بیان کرده‌اند و این درصد اظهار شده در همه طبقات دوران کودکی زنان شبیه هم است. باوجود اینکه زنان با نسل‌های متفاوت برداشت تقریباً یکسانی از سن مناسب برای ازدواج دختران دارند، ولی یک همبستگی مستقیم معنی‌دار ( $r=0/16$ ) بین سن ازدواج زنان و مناسب-



ترین سن برای ازدواج دختران وجود دارد. بنابراین، زنان دوست دارند تجربه سن ورود به زناشویی خود را برای زنان آینده نیز پیشنهاد کنند.

همانند سن مناسب برای ازدواج، در سن مناسب برای اولین بارداری نیز اکثر زنان معتقدند بهتر است اولین بارداری در سنین ۲۰ الی ۲۴ سالگی صورت گیرد. درصد به دست آمده برای سنین ۲۵ الی ۳۰ سالگی به عنوان مناسب‌ترین سن برای اولین بارداری، در زنان متولد قبل از سال ۱۳۵۸ بیشتر از زنان متولد ۱۳۵۸ به بعد و به ویژه زنان متولد بعد از ۱۳۶۵ است. آمار مورد استفاده نشان می‌دهد این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار نبوده و زنان با نسل‌های متفاوت تقریباً سن واحدی را برای اولین بارداری در نظر گرفته‌اند. هم‌گرایی زنان در زمینه نگرش به سن مناسب برای ازدواج دختران و اولین بارداری آنان موجب شده است این گروه از جمعیت گرایش یکسانی (غیر معنی‌داری) در مورد فاصله مناسب بین ازدواج و اولین بارداری هم داشته باشند. یک سوم زنان معتقدند بین ازدواج و اولین بارداری بهتر است فاصله یک ساله باشد، ۳۲٪ فاصله دو ساله را مناسب می‌دانند و بقیه زنان نیز فاصله‌های زمانی سه سال و چهار سال و بیشتر را در نظر گرفته‌اند.

برخلاف روابط مطرح شده در زمینه تأثیرگذاری نسل زنان بر مؤلفه سن مناسب ورود به زندگی زناشویی و سن مناسب در اولین بارداری، روابط تعداد فرزند دلخواه با متغیر نسل زنان معنی‌دار شده است. در کل، فرزند دلخواه زنان مورد بررسی دو فرزند است و در مرتبه بعد سه فرزند و بیشتر قرار می‌گیرد. تک فرزندی نیز علایق نزدیک یک پنجم زنان را به خود جلب نموده است. این تفاوت علایق در زمینه فرزند دلخواه، در میان زنان با نسل چهارگانه نیز بطور معنی‌دار ملاحظه می‌شود. یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد نگرش به تک فرزندی در میان زنان سنین پایین‌تر به مراتب بیشتر از زنان سنین بالاست. برعکس، زنان متعلق به دهه‌های دورتر در مقایسه با زنان دهه‌های نزدیک قبل از ازدواج دوست داشتند در طول زندگی زناشویی خود سه فرزند و بیشتر داشته باشند. ملاحظه می‌شود که نزدیک ۸۰٪ پاسخگویان معتقدند قبل از ازدواج فرزند دلخواه‌شان دو فرزند و کمتر بوده است و این امر در نگرش آنان در زمینه اعتقاد به خوب بودن فرزند کم یا زیاد نیز منعکس شده است. به طوری که ۹۵٪ از زنان معتقدند فرزند کم خوب است. البته برداشت از تعداد فرزند کم و زیاد در میان زنان با نسل‌های

مختلف متفاوت است. زنان متعلق به نسل قدیمی، هم در زمینه تعداد فرزند کم و هم زیاد برداشت‌های بیشتری را نسبت به زنان نسل‌های جدید دارند.

ترجیح جنسی فرزند از سوی والدین نیز از جمله مواردی است که می‌توان در ترکیب خانواده کامل آن را در نظر گرفت. با توجه به جهت ترجیح جنسی و شدت آن از سوی والدین، ترجیح جنسی می‌تواند مقدمات تعداد موالید دختر و پسر را فراهم نماید. در جامعه مورد بررسی نگرش به داشتن فرزند پسر در حالت تک فرزندی پنج درصد بیشتر از فرزند دختر است که خود نشان‌دهنده ترجیح جنسی معنی‌دار به نفع پسران است. البته این ترجیح جنسی معنی‌دار در میان زنان متولد قبل از سال ۱۳۵۸ است که اولویت داشتن فرزند پسر در حالت تک فرزندی در نزد آنان حدود ۱۲٪ بیشتر از فرزند دختر است. در زنان متولد سال‌های ۱۳۵۸ الی ۱۳۶۵ این تفاوت به یک درصد کاهش یافته و در نسل آخری حتی گرایش به داشتن فرزند دختر دو درصد بیشتر از فرزند پسر به دست می‌آید. درصد تمایل به بارداری با داشتن تنها یک دختر نیز به همین منوال است و نشان می‌دهد زنان متعلق به نسل‌های قدیمی اهمیت بیشتری را برای موالید پسر قایل هستند.

جدول ۲. توزیع نسبی زنان در رابطه با مؤلفه‌های ترکیب خانواده به تفکیک نسل‌ها

آماره	کل %	نسل				متغیرها	
		۱۳۶۶ ۱۳۷۳	۱۳۵۸ ۱۳۶۵	۱۳۵۰ ۱۳۵۷	تا ۱۳۵۰		
Cramer's V= 0.28***	۱۹	۲۷	۲۱	۱۷	۱۱	یک فرزند دو فرزند سه فرزند و بیشتر	فرزند دلخواه قبل از ازدواج:
	۵۹	۶۶	۶۷	۵۳	۴۹		
	۲۲	۷	۱۲	۳۰	۴۰		
$\chi^2=2.9$	۹۵	۹۳	۹۶	۹۵	۹۳	کم زیاد	اعتقاد به خوب بودن فرزند:
	۵	۷	۴	۵	۷		
F=6.2***	۱/۸	۱/۷	۱/۸	۱/۹	۲/۰	میانگین فرزند کم	
F=3.7**	۳/۶	۳/۴	۳/۴	۳/۷	۳/۹	میانگین فرزند زیاد	
$\chi^2=9.8$	۸	۱۰	۶	۹	۸	۱۶-۱۹ سال ۲۰-۲۴ سال ۲۵-۳۰ سال	سن مناسب برای اولین بارداری:
	۵۹	۶۵	۶۲	۵۴	۵۴		
	۳۳	۲۵	۳۲	۳۷	۳۸		
$\chi^2=5.5$	۱۸	۱۷	۱۵	۲۱	۲۰	۱۵-۱۹ سال ۲۰-۲۴ سال ۲۵-۳۰ سال	سن مناسب برای ازدواج دختران:
	۶۲	۶۷	۶۳	۵۸	۵۹		
	۲۰	۱۶	۲۲	۲۹	۲۱		



آماره	کل %	نسل				متغیرها	
		۱۳۶۶ ۱۳۷۳	۱۳۵۸ ۱۳۶۵	۱۳۵۰ ۱۳۵۷	تا ۱۳۵۰		
$\chi^2 = 5.9$	۳۳	۳۱	۳۳	۳۳	۳۴	فاصله مناسب بین ازدواج و اولین بارداری:	یک سال
	۳۲	۳۶	۳۱	۳۴	۳۱		دو سال
	۱۸	۱۲	۱۸	۱۸	۲۰		سه سال
	۱۷	۲۱	۱۸	۱۵	۱۵		چهارسال و بیشتر
Cramer's V= 0.15*	۱۴	۱۸	۱۵	۱۱	۱۱	جنس فرزند در وضعیت تک فرزندی:	دختر
	۱۹	۱۶	۱۶	۲۲	۲۳		پسر
	۶۷	۶۶	۶۹	۶۷	۶۶		فرقی نمی‌کند
Cramer's V= 0.21*	۵۶	۵۲	۵۸	۵۶	۶۸	درصد تمایل به بارداری با داشتن یک فرزند دختر	

\*\*\* معنی‌داری در سطح  $P < 0.001$  \*\* معنی‌داری در سطح  $0.01 < P < 0.001$

\* معنی‌داری در سطح  $0.05 < P < 0.01$

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول ۳ دیدگاه زنان با نسل‌های مختلف در زمینه فرزندآوری و به نوعی ارزش فرزند سنجیده شده است. اینکه زنان متعلق به نسل‌های تاریخی-اجتماعی مختلف چه برداشت‌هایی از ارزش‌های اجتماعی-اقتصادی فرزند در سطح جامعه دارند. ۵۷٪ زنان معتقدند فرزند بیشتر موجب تنها نماندن والدین در دوران پیری خواهد شد. با وجود اینکه رابطه آماری بین نسل زنان و گویه مطرح شده ملاحظه نمی‌گردد، ولی مشخص است زنان متعلق به نسل قدیمی درصد موافقت بیشتری را نسبت به نسل‌های جدید دارند. به نظر می‌رسد در معرض پیری قرار گرفتن نسل‌های قدیمی و مسئله‌مند شدن احساس تنهایی دال بر وجود چنین نگرشی در آنان است. برعکس، در زمینه مؤثر بودن فرزند در احساس خوشی و سرور در زندگی والدین، این درصد به دست آمده برای زنان متولد ۱۳۵۸ الی ۱۳۶۵ بیشتر از سایر نسل‌ها به ویژه نسل متولدین قبل از سال ۱۳۵۰ است. اینها کسانی هستند که معمولاً تولد فرزند اول خود را تجربه کرده‌اند و باتوجه به ایجاد دریچه جدید در زندگی زوجین، این تحول خانواده توأم با خوشی و نشاط برای آنها بوده است.

در زمینه فشارهای اقتصادی و همچنین روحی-روانی حاصل از فرزند زیاد، نگرش‌های متفاوتی در بین زنان با نسل‌های چهارگانه مطرح است. به نظر می‌رسد تجربه ناملایمی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سطح جامعه در عقاید زنان نسل انقلاب (۵۷-۱۳۵۰) و جنگ (۶۵-۱۳۵۸) بیشتر مؤثر بوده است. به طوری که زنان این دو برهه زمانی نسبت به دو نسل دیگر از یک سوی موافقت بیشتری دارند که داشتن فرزند زیاد با ایجاد فشارهای روحی و روانی بر والدین همراه است و از دیگر سوی در زمینه اینکه فرزند زیاد کمک مناسبی برای افزایش درآمد خانواده در آینده است، موافقت کمتری دارند. این موارد به خوبی اثرات محیطی را بر نگرش به ارزش فرزند به خوبی نشان می‌دهد. در کنار این موارد، از طریق موافقت زنان با سقط جنین نیز می‌توان معیار ارزش دینی زنان نسل‌های مختلف را بررسی نمود. در کل ۳۷٪ زنان (که درصد قابل توجهی است) با سقط جنین به عنوان یکی از راه‌های جلوگیری از بارداری موافقت می‌کنند. این درصد موافقت با گذار از نسل‌های قدیمی به جدید بیشتر می‌شود. از این طریق نیز می‌توان استدلال نمود، با تغییر معیارهای ارزش‌های دینی زنان متعلق به دوره‌های زمانی مختلف و تقریباً با تضعیف آن معیارها در نسل‌های جدید، می‌توان رفتارهای جمعیتی جدیدی را در سطح خانواده‌های متعلق به نسل جدید ملاحظه نمود. اینها مواردی است که می‌تواند در رفتارهای خانوادگی فرزندان آنان نیز منعکس گردیده و تا حدودی شکل‌گیری و دوام خانواده زوجین آینده ایرانی را تحت تأثیر قرار دهد.

جدول ۳. درصد موافقت زنان با گویه‌های مرتبط با ترکیب خانواده به تفکیک نسل‌ها

آماره	کل %	نسل				گویه‌ها
		۱۳۶۶	۱۳۵۸	۱۳۵۰	تا ۱۳۵۰	
$X^2=5.9$	۵۷	۵۲	۵۳	۵۹	۶۵	والدین باید فرزند زیادی داشته باشند تا در دوران پیری تنها نباشند.
Cramer's V= 0.18**	۵۲	۴۹	۴۴	۴۲	۶۱	فرزند زیاد کمک خوبی برای افزایش درآمد خانواده در آینده است.
$X^2=3.5$	۵۲	۵۶	۵۴	۵۳	۴۵	فرزند زیاد باعث می‌شود والدین نتوانند آنها را خوب تربیت کنند.
Cramer's V= 0.22***	۶۹	۷۰	۷۵	۷۱	۵۴	فرزندان خوشی و سرور را به زندگی والدین می‌آورند.



آماره	کل %	نسل				گویه‌ها
		۱۳۶۶	۱۳۵۸	۱۳۵۰	تا ۱۳۵۰	
Cramer's V= 0.12*	۳۷	۴۳	۴۱	۳۳	۳۱	سقط جنین یکی از راه‌های جلوگیری از بارداری ناخواسته است.
Cramer's V= 0.16*	۸۴	۷۵	۸۷	۸۶	۷۴	فرزند زیاد باعث ایجاد فشارهای روحی و روانی برای والدین می‌شود.

\*\*\* معنی‌داری در سطح  $P < 0.001$  \*\* معنی‌داری در سطح  $0.01 < P < 0.001$

\* معنی‌داری در سطح  $0.05 < P < 0.01$

منبع: یافته‌های پژوهش

## ۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

ازدواج و شکل‌گیری و ترکیب خانواده در جامعه فعلی ایران یکی از مسائل اساسی قابل تأمل و بررسی است. با تغییر و تحولاتی که طی دهه‌های گذشته در ساختارهای اجتماعی-اقتصادی جامعه ایران بوجود آمده است، سن ازدواج و سطح باروری زوجین نیز بی‌ارتباط با نگرش‌های موجود در سطح جامعه درباره شکل‌گیری و پویایی خانواده‌ها که در نتیجه این تغییر و تحولات رخ داده است، نمی‌تواند باشد. زیرا به واسطه یادگیری‌های اجتماعی، شرایط محیطی و ارزش‌ها و هنجارهای سطح جامعه تغییر یافته و این امر موجب می‌گردد نگرش نسل‌های امروزی با نسل‌های دهه‌های قبل متفاوت باشد. در واقع، ارزش‌ها و رسوم جدید پذیرفته شده در سطح جامعه، مجموعه‌ای از بایسته‌های زندگی زناشویی به ویژه زمان شروع آن را تعیین می‌کند. از این‌رو، با تغییر ساختار جامعه و وقوع دگرگونی‌های ایدئولوژیکی همانند مدرنیزاسیون، ساختار و کارکرد خانواده‌ها نیز تغییر پیدا می‌کند. نهایت امر اینکه افراد خود را با ایده‌ها، افکار و هنجارهای جدید انطباق داده و یادگیری‌های اجتماعی و شرایط محیطی جدید موجب می‌شود دیدگاه مرسوم در زمینه خانواده در اکثر زمینه‌ها از جمله زمان شکل‌گیری و ترکیب خانواده تغییر یابد. نوگرایی، صنعتی شدن، گسترش شهرنشینی، افزایش میزان اشتغال زنان، گسترش میزان تحصیلات زنان و رشد اقتصادی از مهم‌ترین عواملی هستند که موجب تغییر ارزش‌ها و هنجارهای افراد شده و زمان شکل‌گیری خانواده و باروری را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

با پذیرش مؤثر بودن مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در شکل‌گیری و ترکیب خانواده در گذار زمان، فرض متفاوت بودن نگرش زنان متعلق به نسل‌های مختلف در زمینه مؤلفه‌های زناشویی و فرزندآوری منطقی جلوه می‌دهد. زنان نسل‌های مختلف با توجه به بساخت‌های اجتماعی و فرهنگی متنوع، نگرش‌های متفاوتی در اکثر زمینه‌های شکل‌گیری و ترکیب خانواده دارند. به نظر می‌رسد وقوع حوادث و بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دوران کودکی هریک از زنان توانسته است معناداری روابط مطرح شده در آمارها را سازمان دهد. تفاوت درصدهای به دست آمده از نسل‌ها در زمینه نگرش به فرزند دلخواه، میانگین برداشت از فرزند کم و زیاد و نیز ترجیح جنسی فرزند نشان می‌دهد پشت این نسل‌های مورد بررسی عوامل و تجربه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوتی وجود دارد. تجربه زیسته و عوامل یادگیری در بازتولید مسائل جمعیتی مربوط به دوران کودکی زنان در زمان کنونی نیز می‌تواند مؤثر باشد. زنانی که نشانه‌های ترجیح جنسی را در دوران کودکی خود بیشتر درک کرده‌اند، هم اکنون نیز به آن علاقمندی بیشتری نشان می‌دهند. زنانی که برادر و خواهر بیشتری را در کودکی به عنوان هم بازی داشتند، هم اکنون نیز معتقدند زوجین بهتر است فرزند بیشتری داشته باشند. در زمینه برداشت‌های اقتصادی از فرزند نیز وضع به همین منوال است.

بنابراین، با اطلاع از شدت اثرپذیری زنان بالقوه از دیدگاه‌ها و نگرش‌های جمعیتی مادران و زنان پیرامونش، می‌توان به اهمیت اثرگذاری زنان فعلی با نسل‌های متفاوت بر زنان آینده واقف شد. اینها مسائل و آموزه‌های فرهنگی هستند که نمی‌توان شکل خاصی را بر آن برآورد و طراحی کرد تا در قالب آن بتوان تغییرات شکلی و مفهومی خانواده‌های آینده ایرانی را مدیریت و برنامه‌ریزی کرد. اثرات فرهنگی که با وجود اندازه‌گیری بسیار جزئی آن در این مقاله، قسمت عمده فرایند کنشی و تعاملی آن بیشتر در سطح نظری باقی می‌ماند.

با توجه به نتایج برآمده از این مقاله، جهت حرکت در راستای سیاست‌های تشویقی افزایش مولد ارائه شده توسط دولت و مجلس شورای اسلامی، می‌توان پیشنهادات ذیل را مدنظر قرار داد:

- در وضعیت باروری کنترل شده (همین وضعیتی که باروری در جامعه ایران دارد)، کاهش سن ازدواج زنان تأثیر زیادی می‌تواند در افزایش سطح





باروری داشته باشد. باتوجه به اینکه اکثر زنان متعلق به نسل‌های مختلف معتقدند سن ازدواج دختر بهتر است زیر ۲۳ سال باشد، بنابراین با تسهیل مقدمات و هزینه مالی ازدواج این امکان وجود دارد که سن ازدواج دختران کاهش یابد.

- اعتقاد به خوب بودن فرزند کم توانسته است بر ذهنیت اغلب (و به جرأت همه) زنان مورد مطالعه غلبه پیدا کند. با اتخاذ برنامه‌های فرهنگی بلند مدت می‌توان اعتقاد به فرزند زیاد را جایگزین فرزند کم نمود. البته بهتر است توجه کرد که منظور از فرزند زیاد بطور متوسط سه و سه و نیم فرزند است و در برنامه‌های تبلیغی در راستای افزایش موالید بهتر است به این مورد توجه گردد. تعداد فرزند دلخواه برای زنان امروزی با نسل‌های مختلف به هیچ عنوان شباهتی با تعداد فرزند مشاهده شده در دو سه دهه قبل ندارد.
- با وجود اینکه دو فرزندی الگوی غالب در نگرش زنان است، ولی تمایل به تک فرزندی در زنان نسل‌های جدید بیشتر از نسل‌های قدیمی ملاحظه می‌شود. از آنجاکه ظرفیت نسل‌های جدید برای فرزندآوری بیشتر از نسل‌های قدیمی است، با تغییر نگرش این دسته از زنان از تک فرزندی به دو فرزندی و بیشتر می‌توان در راستای افزایش موالید گام برداشت.
- جهت تغییر نگرش نسل‌های جدید نسبت به تعداد فرزند، بهتر است برنامه‌هایی جهت تغییر نگرش این گروه از زنان نسبت به ارزش فرزندار آئه نمود. بدیهی است هرچه ارزش فرزند نزد زوجین کمتر باشد، زنان به همان نسبت باروری خود را در سطح پایینی نگه خواهند داشت.

## منابع

- اعزازی، شهلا (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی خانواده با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- توده فلاح، معصومه؛ کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۹). بررسی تاثیر نوسازی بر سن ازدواج با تاکید بر شاخص‌های جمعیت‌شناختی ازدواج در سطح کشور و ۷ استان منتخب، پژوهش اجتماعی، دوره ۳، شماره ۸، صص ۱۳۱-۱۰۵.

جنادله، علی؛ دغاقله، عقیل؛ مریم رهنما (۱۳۸۸). بررسی پیامدهای فرهنگی- اجتماعی افزایش سن ازدواج در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی با همکاری مجمع تشخیص مصلحت نظام.

گتایی، حبیب‌پور؛ غفاری، کرم و غلامرضا (۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج دختران، پژوهش زنان، دوره ۹، شماره ۱، صص ۳۴-۷.

ضرابی، وحید؛ مصطفوی، سیدفرخ (۱۳۹۰). بررسی عوامل موثر بر سن ازدواج زنان در ایران، یک رویکرد اقتصادی، پژوهشهای اقتصادی، دوره ۱۱، شماره ۱۴، صص ۶۴-۳۳.

فرید، محمدصادق (۱۳۸۳). درآمدی بر خانواده و نظام خویشاوندی، تهران، نشر پشتون.

قاسمی اردهائی، علی (۱۳۸۶). تاثیر محل زندگی (شهر/ روستا) بر زمان ازدواج زنان در ایران، روستا و توسعه، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۸۶-۶۵.

کنعانی، محمدمبین (۱۳۸۵). پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه ایرانیان ترکمن، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۲۶-۱۰۴.

محمودیان، حسین (۱۳۸۳). "سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، صص ۵۳-۲۷.

میشل، آندره (۱۳۵۴). جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.

مرادی، گلمراد؛ محسن صفاریان (۱۳۹۱). عوامل اقتصادی و اجتماعی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، دوره ۳، شماره ۷، صص ۱۰۸-۸۱.

هزارجریبی، جعفر؛ آستین فشان، پروانه (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی موثر بر میانگین سن ازدواج زنان در سه دهه گذشته ۵۸-۵۵، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه، صص ۳۲-۱۵.

Becker, G. (1974) "A Theory of Marriage", university of Chicago and National Bureau of Economic Research, pp: 299-351.

Copen, c; Daniels, K; Vespa, J; Mosher, w. (2012) "First Marriage in the united Status: Data from the 2006-20120 national survey of Family Growth", *National Health Statistics Reports*, N.4 9, pp: 1-19.

Garenne, M. (2005) "Age at marriage and modernization in Sub- Saharan Africa", *Southern African Journal of Demography*, V. 9, N. 2, PP: 59-79.



- Good, W.(1964) *World Revolution and Family Patterns*, New York.
- Jones, G.(2010) *Changing Marriage Patterns in Asia*, Asia Research Institute & Department of Sociology National university of Singapore, N. 131.
- Mitra, p. (2004) "Effect of Socio- economic Characteristics on age at Marriage and total fertility in Nepal", *Journal of health and population*, V. 22, N. 1, pp: 84-96.

